

بقا ما کان علی ما کان در افغانستان به نفع مردم افغانستان و جامعه جهانی نیست!

(د افغانستان د ۱۳۸۸ د جمهوری ریاست د تولتاکنو په هکله)

تلاش های مردم صلح دوست افغانستان و جهان ما را به این واقعیت میرساند که افغانستان در مرحله دیگر از انکشاف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خویش قرار دارد.

اینکه افغانستان با تمام تلاشها و مصارف مالی و مادی فراوان درین مرحله از انکشاف قرار دارد و این تلاش ها و مصارف هنگفت مالی و مادی مردم صلح دوست جهان به نتایج مطلوب رسیده و یا خیر؟ بحث بسیار مهم است.

اما درین مرحله انتخابات و اشتراک در انتخابات را نوعی از ادای رسالت شهادت دانسته و جای خوشی میدانم که مردم ما در جمله جوامع دیگر متمدن جهان دارند اینک با به راه آفتادن انتخابات با وجود تمام نواقص - زعما و راه های حل مسایل مطرح کشور مان افغانستان را انتخاب مینمایند و از دست آورد نیک بشریت استفاده میبرند و انتخابات را تمرین میکنند.

به فهم و محاسبات من سیاسیت غلط کادری متکی به تقسیمات قومی، فامیلی، شراکت جیبی و استخباراتی، سیاسیت غلط و عدم شفاف اقتصادی متکی بر روابط مافیایی، برتری دادن منافع خورد و محدود بر منافع علیا و همگانی و در نتیجه آن سطح نازل و ضعیف ظرفیت های عدلی و قضایی، مداخلات حلقات معین سیاسی و مراجع معین استخبارات خاصا همسایه های افغانستان عوامل عمده عدم موفقیت های است که افغانستان به آن مواجه و دست و گریبان است.

من به این عقیده ام بر عکس آنچه دولت حاکم فعلی افغانستان ادعا دارد - با در نظر داشت عوامل فوق حاکمیت فعلی مانع عملی شدن برنامه های زیادی خوب و سازنده جهانی شده تا مجری آن.

بخش از دست آورد ها در هشت سال گذشته مانند قانون اساسی، انتخابات و ساختار های نظام که تحت تاثیر مستقیم مراجع بین المللی صورت گرفته با دست زدن های غیر مسلکی و غیر فنی حاکمیت فعلی همراه بوده که سبب ایجاد مشکل شده تا پیشرفت.

به یک مثال کفایت میکنم: عدم موجودیت توازن متناسب بین قوای سه گانه دولت در نتیجه پافشاری اداره حاکمیت فعلی سبب شده تا قدرت بیشتر و غیر متوازن را به نفع قوه اجرائیه یعنی در دست رئیس جمهور به صورت غیر متناسب متمرکز ساخته که مثال آن به این نحوی که در افغانستان امروزی است در جهان وجود ندارد. دارد که نظام به طرف خود کامگی میروند و خود نظام ریاستی را مورد سوال جدی قرار داده.

بلی این یکی از خطاء های بزرگ ساختار نظام فعلی ریاستی طیف افغانستان امروزی است که این وضع باعث گردیده تا عده برحق خود این نوع نظام سیاسی ریاستی را - برحق - مورد سوال قرار دهند. حاکمیت، اداره، منجمنت و کادر های کلیدی حاکمیت فعلی این اداره در عملی کردن این نوع نظام ریاستی خود کامگی غیر متوازن را ایجاد نموده و به این ترتیب بخشی از مفاهیم و ساختار های دموکراسی و نظام ریاستی در مجموع مورد سوال قرار گرفت.

به یقین گفته میتوانیم که نظام ریاستی امروزی افغانستان در موارد زیاد نمونه نظام مختص به خود است که در موارد معین با چنین شکل و بافت قابل پذیرش نمی باشد.

به دقت گفته میتوانیم که دموکراسی برای کسانی امر جدی و عملی کردن آن حوصله پراخ در چوکات قانون توقع دارد که آنرا امر جدی میدانند. آنهاهی که دموکراسی را در موارد که به نفع و آرزوی شان است عملی میکنند و در موارد دیگر که خواسته باشند طفره برونند هیچ مشکل با دموکراسی ندارند.

با وجود اینکه نظام های ریاستی و پارلمانی در داخل خویش انواع مختلف دارد. اما به یقین گفته میتوانم که نه نظام ریاستی و نه هم نظام پارلمانی بذات خود ضامن عدالت و دموکراسی واقعی حاکمیت مردم است. استدلال های ساده و سطحی درین مورد که نظام فدرالی، نظام پارلمانی و یا نظام ریاستی تضمین کننده تأمین اراده مردم و حاکمیت مردم است یک تاکید غیر دقیق و در موارد عوامفریبی بیش نیست. فکتورها و عوامل انسانی درین امر، فهم مسلکی و داشتن اراده سیاسی برای تطبیق قانون و میکانیزم های دموکراسی درین راستا مسایل بسیار مهم و حیاتی است. در

پهلوی تطبیق قانون، قانون اساسی تطبیق و عملی کردن عنعنه و طرز العمل ها قانون اساسی نیز یک امر ضروری و مهم است. اما حاکمیت فعلی درین راه به خلا های غیر قابل توصیف مواجه بوده و هست. بلی اداره ضعیف فعلی با تمام یکه تازی هایش در واقعیت علت ادامه دهنده این رنج و آلام مردم کشور ما و خطر برای صلح منطقه است.

حاکمیت فعلی نتوانسته از همه این امکانات هنگفت مادی و معنوی جامعه جهانی استفاده مثبت به نفع مردم و امر صلح و اعمار مجدد در کشور نماید. سیاسیت غیر شفاف اقتصادی این حاکمیت زمینه های خوب برای روش های مافیای اقتصادی شد.

سیاست معامله گر - بی سرحد و تلاش مذبحخانه حاکمیت فعلی که باید به هر قیمت در قدرت باقی ماند - امریست خطر ناک و پروسه دارد چنانچه گفتیم به طرف خود کامگی بیشتر منجر میگردد.

در حاکمیت فعلی در حلقه های اصلی و تعیین کننده مشت از آغا بلی ها کرد هم جمع شده اند و دارند ملت و جهان را فریب و در موارد تطمیع و تهدید میدارند.

شواهد نشان میدهد که اگر در انتخابات امروزی تخلفات صورت نه گیرد این انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به مرحله دوم خواهد رفت.

شواهد و قراین نشان میدهد که تطمیع و تهدید کاندیدان از طرف اداره حاکم افغانستان ادامه خواهد یافت.

شواهد و قراین نشان میدهد که کاندید حاکم و طرفداران وی از پست های دولتی و امکانات آن سوء استفاده میکنند.

توجه کنید: در اثنای نوشتن این خطوط چند به تلویزیون ملی افغانستان نیز نگاه میکردم. معین وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان (وزارت اطلاعات و کلتور) بدون ارتباط در پروگرام سالگرد تجلیل از روز جهانی جوانان بعد از

بیانیه طویل و عریض اصلی اش یکبار دیگر ظاهر شد و اعلان کرد که: رئیس جمهور یکنیم فیصد عاید ملی را با

معیوبین تخصیص داده. اینکه این تخصیص نیم فیصد است و یا یکنیم فیصد عاید ملی است. اینکه تخصیص بودیجه را

پارلمان تصویب میدارد و بعد از آن قابل اجراء است و یا همینکه اعلان رئیس جمهور کفایت میکند که تخصیص دهد

و اینکه مال رئیس جمهور است و یا هم ملت که تخصیص داد و یا اما همچو اعلانات را چند روز قبل از

انتخابات ریاست جمهوری یک نمونه بسیار کوچک پروپاگند و سوء استفاده از امکانات دولتی و وسایل اطلاعات

جمعی و تلویزیون دولتی - چیزی بیش نمی بینم. مردم، خواننده، شنونده و بیننده را نباید ساده و دست کم گرفت.

شواهد نشان میدهد که مخالفین مسلح حاکمیت فعلی که ترکیب آنرا طیف های مختلف تشکیل میدهند - دست به

اغتشاشات و اعمال غیر متمدن خواهند زد تا انتخابات و انتخابات شفاف صورت نه گیرد و به این ترتیب عملاً زمینه

های را آگاهانه و نا آگاهانه برای عدم شفافیت ها و دستبرد های بیشتر دولت حاکم درین انتخابات آماده سازند. به این

ترتیب به صراحت تام گفته میتوانم اگر برخورد های غیر شفاف از جانب حاکمیت درین انتخابات بیشتر گردد به

یقین دلایل زیاد برای نا آرامی های بعدی و مشروعیت این انتخابات و به تاسی از آن مشروعیت حکومت برآمده و

به میان آمده ازین انتخابات غیر شفاف خواهد بود. این تسلسل نتیجه گیری منطقی و گناه ناشی از تأثیرات بعدی آن به

صورت اعظمی به دوش حاکمیت فعل خواهد بود.

شواهد و قراین نشان میدهد که مراجع استخباراتی کشور های مجاور با هوشیاری و دقت بیشتر سیاست های دو

رویه و دوگانه را کما کان دنبال میکنند.

شواهد نشان میدهد چنانچه گفته آمدیم که ازین وسیله خوب و ممکن یعنی انتخابات برای تثبیت و انتخاب مردم و

ملاک خوب دست آورد امروزی بشری در جهان استفاده سوء صورت گرفته میتواند و فرصت های نیک باز هم از

دست خواهد رفت.

به فهم من اصولاً پروسه انتخابات سالم و شفاف را من پروسه دادن حاکمیت مردم بخود شان دانسته و تأکید میدارم

که این امر ضرورت جدی به پیروی از اصول شفاف و حاکمیت قانونی دارد.

تأمین این پروسه را بصورت شفاف و در تحت حاکمیت قانون آغاز پروسه نجات ملت افغان و نیرو های بین المللی

میدانم. پروسه که ملت خود بر خود حاکم شود و حکومت یک موجود تجریدی تحمیل شده از خارج انگاشته نه شود.

من به این باورم که مردم افغانستان مسلمان اند و مسلمان به توکل الله انتخاب خوب و بهتر خواهند داشت. امت

مسلمان به امر شر توافق نه خواهند کرد. این وعده را رسول اکرم محمد (ص) برای ما داده است.

مرگ حق است و همه نزد الله تعالی جواب گفتنی هستیم. وعده های کرسی ها و پست های جذاب دولتی، رنگ دلپذیر

سبز دالر و دیگر جذابیت های زود گذر نباید چشم های ما را کور کرده و ما را از رسالت خویش کنار زند.

در عمر کوتاه خویش جبروت های زیادی را دیدیم که گذشت این هم خواهد گذشت.

وظیفه علماء و روحانیون، دانشمندان، پیشتازان جامعه و تمام افراد با اراده نیک و خیر است تا رسالت خویش را در رهنمایی نیک خود و رهنمایی یک دیگر و ملت جهت انتخاب بهترین و درست ترین راه و نسخه ممکن و شخصیت مناسب - اداء نموده و درین راستا اداء رسالت نمایند.

نتیجه مطلوب ازین انتخابات ان شاء الله به کار صادقانه حاکمیت امروزی، کار عملی نیرو های بین المللی و جدیت مردم ما تعلق دارد.

اینکه یک حرکت و سازمان سیاسی را تا کدام زمان حرکت و سازمان یاغی و باغی، و شر اطلاق میکنند و در کدام مراحل به یک حرکت و سازمان رهایی بخش ملی میدل میگردد و یا هم تا اخیر یاغی و باغی و شر میماند و به طرف نابودی میرود - بحث جالب است که در طول زندگی جوامع بشری و حتی در زندگی کوتاه ما مثال های آنرا دیده و شنیده ایم.

اینکه حرکت و سازمان معیین از یک حرکت و سازمان یاغی و باغی به سازمان رهایی بخش ملی مبدل میشود به فهم من این قبل از همه به خود این سازمان و حرکت سیاسی نیز ارتباط دارد. کارنامه و عمل کرد های وی را ملت میبیند و به اساس آن قضاوت میدارند. ملت را نباید دست کم گرفت و به زعم خویش فریب داد. ملت فریب نخواهد خورد.

متأسفانه آنهایی که در صحنه سیاسی فعلی افغانستان تبارز کرده اند بدون در نظر داشت واقعیت های معیین که چه مجبوریت های آنها را به چنین اعمال واداشته، مرتکب اعمال میشوند که شایسته خدمتکار مردم و خلق الله نیست. مخالفت به انتخاب مردم، بمباری های کور و کور، بمب گذاری ها، در هر مسأله و امر خورد و ریزه سر بریدن ها و عملی کردن جزاء های شنیع و خلاف بشری و اسلامی شواهد است که مردم را به این معتقد میسازند که عده زیادی از آنها که ادعای خدمت به مردم و خلق الله را دارند - نه خدمتکار مردم اند و نه خدمتکار خلق الله.

عده که ادعای دموکراسی و خدمت به بشریت را دارند از روی اعمال شان نه خدمت گار دموکراسی و نه هم بشریت اند. لست جنایات شان آنقدر طویل و عریض و آنقدر روشن است که در بخش موارد ذکر مثال های آنرا ضیاع وقت میدانم. مردم نه کور اند و نه هم کر. مردم قضاوت خویش را دارند و به قوه تمیز مردم باید و باید باور داشت.

من به این باورم که در ظرف هشت سال گذشته جوهر - دار و ندار این حاکمیت رفته و مانند تفاله دیگر جوهر و چیزی برای گفتن ندارد.

اداره فعلی فاسد است و توانایی خدمت به مردم را ندارد.

اداره فعلی از ملت تجرید شده و دریک خلا بزرگ با ملت قرار دارد.

اداره فعلی با معامله گری ها و زد و بند های قومی و سمتی خویش افغانستان را به طرف تجزیه و برپادی خواهد کشاند. بلی معاملی گری ها دولت امروز بخش از دشمنان مردم و صلح را در افغانستان آنقدر نیرو مند ساخته که برای هر دولت و حاکمیت بعدی مجادله با آنها را بسیار مشکل ساخته و پرابلم بزرگتر از تصور را ایجاد کرده.

اگر وضع به همین منوال ادامه یابد درین لجن زار و باتلاق هم خود و هم مجامع بین المللی را غرق خواهند کرد.

به فهم من بقا ما کان علی ما کان سبب تعفن بیشتر خواهد شد که بوی بد و مشمیز آن تمام آنچه را که به قیمت گزاف بدست آمده - نابود خواهد کرد.

به فهم و محاسبه من اداره و منجمنت فعلی با کار کرد های غیر فنی، غیر سیتما تیک، سیاست غیر شفاف اقتصادی و روابط مافیایی و در نتیجه آن سطح نازل ظرفیت های عدلی و قضایی و نداشتن اراده سیاسی برای تطبیق قوانین (حتی قوانین نابکار که خود تصویب کرده اند) و عدم موجودیت اراده سیاسی برای تأمین عدالت سبب و عامل از دست رفتن فرصت های زیادی شده و است.

به فهم و محاسبات من اداره و منجمنت فعلی با برخورد های نا سالم خویش به نفع صلح، امنیت منطقه و جهان نبوده بلکه خود مانع در تأمین صلح و رفاه همگانی شده.

این وضع و این حاکمیت سبب قربانی بیشتر نیروی های مادی و معنوی مردم افغانستان و جهان خواهد گردید.

حاکمیت و اداره حاکم فعلی به فهم من مشخصات و توانایی خدمت به مردم و آرمان های مردم ما و صلح را ندارد و حل آنرا بغرنجتر ساخته.

شواهد و قراین نشان میدهد که این حاکمیت با روش تهدید و تطمیع با جهان نیز برخورد میکند.

لذا اگر تغییر خیر میخواهید باید انتخاب جدید داشت. انتخاب آینده، انتخاب علم، انتخاب فرهنگ خوب و درایت و انتخاب خیر.

ضرورت به جرئت، شهامت و ضرورت توافق بر خیر است. در سیاست نباید هیچ گاه (هیچگاه با هیچ کس توافق نه

خواهم کرد) این حرف و جمله در سیاست خطاء است. منافع و مصالح است. برای بعضی منافع و مصالح شخصی و جیبی مطرح است و برای بعضی هم منافع و مصالح ملی و مردمی. باید تلاش کرد که در صف دومی قرار گرفت و بدین ترتیب گرفتن قدرت سیاسی به هدف و نیت خدمت به خلق الله نمود و بدین ترتیب آنرا برای خویش عبادت ساخت.

من مطمئن ام که مردم افغانستان بنا بر فقر و کرسنگی که در افغانستان حکمفرما بوده و یا هست و تحت تأثیر آن در نمایشات قبل از انتخاباتی هر نوع جلوه داده شوند. ما میبینیم که در یک ولایت کشور تقریباً عین چهره ها در روز ها و مدت زمانی کوتاه برای چند کاندید ریاست جمهوری تشکیل میتنگ های تاییدی دارند. عوامل آنرا تصور کرده میتوانیم. اما انشاء الله که مردم ما درین حین رای دهی و نزد صندوق رای دهی در انتخاباتی به ایمان، ملت و خاک خویش خیانت نه خواهند کرد و رای خویش را برای کسی خواهند داد که به نفع ملت و مردم مستضعف ما است.

ما میدانیم موجودیت نیرو های خارجی به نحوی انتخابات را مورد سوال قرار داده میتواند. ما میدانیم فرصت هشت ساله زمانی و امکانات مالی بی سرحد، عفو قرار دادن تاجران مواد مخدر، معامله با جنایت کاران غیر قابل انکار جنگی، پیوستن به قاتلین هزاران انسان در کانتینرها در دشت های مزارشریف و زمینه های انتخابات آزاد و شفاف را محدود ساخته.

اما تشنت و پراگندگی سیاسی آب به آسیاب چالاکان، معامله گران قومی و لسانی و دشمنان ملت میریزد. این حالت برای ما امر میکند تا ضرورت و حتمی بودن توافق به امر خیر و تغییر مثبت را درک کرده و دوبرابر متوجه کار ها شده و به توافقات خیر و نیک اهتمام بیشتر نمایم.

مجریان شر و فساد توافق کرده میتوانند و خدمتگاران مردم و نیک اندیشان توافق کرده نمیتوانند؟ به چنین وضع نباید بی اعتنا ماند. باید و باید با از خود گذری برای امر خیر تلاش و اقدام عملی کرد. باید دقیقاً بیشتر ناظر بود و حد اعظم تلاش نمود تا اراده ملت تأمین گردیده و انتخابات به صورت شفاف و عادلانه دایر گردد.

بباید به ایمان، وجدان، ملت خویش و جهان نشان دهیم که ملت افغان صلاحیت و توانایی حاکمیت بر خود را دارد. بباید به ایمان، وجدان، ملت خویش و جهان نشان دهیم که ملت افغان با وجود تمام تجارب تلخ بیشتر از سه دهه از فرهنگ عالی برخوردار است.

توقع ما از مراجع و محافل بین المللی چنین است که در عمل پروسه انتخابات را مساعدت نموده و ملاحظات فوق را در نظر بگیرند.

پروسه انتخابات شفاف را باید در عمل کمک کرد. مردم قضاوت دارند و خواهند دید تا این ادعا ها در عمل پیاده خواهد شد و یا خیر؟

اقرار به اشتباه و خطاء و خطاء در حین حاکمیت و زمامداری یک کلتور عالی اخلاقی و سیاسی خوب است. باید چنین شهامت را در خود بخاطر تذکیه نفس و تأمین عدالت پرورانید و داشت. اما اگر فرض کنیم که قتل غیر عمد واقع شده آیا قاتل قتل غیر عمد بی گناه است؟ موثر تصادف کرد و کسی را کشت. شخص غیر فنی با به کار گیری غیر فنی تخنیک و وسایل فنی سبب نابودی و یا کشتن انسانها شد. آیا فاعل این شخص غیر فنی بی گناه است؟ آیا فاعل این قتل غیر عمد بی گناه است؟ مسلم است که نیست.

در کلتور عالی سیاسی همچو افراد که جرئت اعتراف به اشتباهات و غلطی ها در کارنامه ها و عمل کرد خویش دارند - باید این توانایی را نیز داشته باشند و پیدا کنند که در زمان حاکمیت و امکانات عملی اشتباهات جبران ناپذیری را مرتکب شدند دیگر بس است. افغانستان به قحط الرجال مواجه نیست. مردم خرگوشان لابر اتوار های امتحانی اینها نیستند که تعهد میدهند که باز در تجربه های بعدی شان بهتر عمل می نمایند.

مطابق به الفباء و کلتور سیاسی همچو افراد که خود به اشتباه خویش نیز اعتراف دارند حق ندارند در پست های اول و رهبری قرار گرفته و یکبار دیگر ملت و صلح را به مخاطره های بیشتر مواجه سازند.

وضع نورمال چنین است که برنامه های کاری وجود دارد و برای تحقق برنامه های کاری برای گرفتن قدرت سیاسی تلاش صورت میگیرد. عجب این است که برنامه کاری وجود نداشت. برنامه کاری بعداً ساخته شد تا قدرت سیاسی را به تهر قیمت گرفت.

اگر حاکمیت فعلی افغان واقعا به امر ملت، صلح و رفاه ملت افغان و منطقه میاندیشند باید زمینه های این را مهیا سازد تا ملت حق انتخاب عادلانه و شفاف برای انتخاب بهترین فرمول ها و نسخه و بهترین خدمت گاران این ملت رهبری و زعامت این ملت و کشور را داشته باشد.

بگذارید تا ملت در انتخابات آزاد، شفاف و عادلانه انتخاب خویش را داشته باشند.

من مطمئن ام ملت مستضعف افغان رای خویش را خاص لله فی الله برای بهترین نسخه های حل و حل مسایل افغانی و بهترین کاندید و یا کاندیدان و خدمت گذاران مردم خواهند داد.
ما میدانیم از آنچه که داریم باید انتخاب کرد. درین دور انتخابات انتظار به مهدی موعود مشکل خواهد بود.
فرصت ها را نباید از دست داد! اوضاع را نباید ازین متشنج کرد.
مردم ما و جهانیان رنج میبرند و قربانی میدهند. همه روزه به درد و آلام شان افزوده میشود! نگذارید تا خود خواهی، آز و حرص پول، مقام و کرسی های زود گذر چشم های ما را کور کند.
به امید موفقیت همه افراد صالح و خیر اندیش!
فاعتبروا یا اولی الابصار